

Survival Kit - The Child's School

English learning resource · FA

Line-by-line · English + Persian

79 lines

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

The school principal is explaining the new schedule.

مدیر مدرسه در حال توضیح برنامه جدید است.

You are smiling... and you are nodding your head.

شما در حال لبخند زدن هستید... و سر خود را تکان می‌دهید.

But inside... your mind stopped processing the words two minutes ago.

اما در درون... ذهن شما دو دقیقه پیش پردازش کلمات را متوقف کرده است.

Smiling and nodding... is how we try to protect our dignity... when the language feels too big.

لبخند زدن و سر تکان دادن... راهی است که ما سعی می‌کنیم از عزت نفس خود محافظت کنیم... وقتی زبان خیلی بزرگ به نظر می‌رسد.

Welcome to Your English Toolbox, where we train your ears step by step.

به جعبه ابزار انگلیسی خود خوش آمدید، جایی که ما گوش‌های شما را قدم به قدم آموزش می‌دهیم.

Want to take your learning even further?

آیا می‌خواهید یادگیری خود را حتی بیشتر پیش ببرید؟

Find "Your English Toolbox" on YouTube to watch every episode with subtitles.

"جعبه ابزار انگلیسی شما" را در یوتیوب پیدا کنید تا هر قسمت را با زیرنویس تماشا کنید.

It is the best way to support this project, and we truly appreciate it.

این بهترین راه برای حمایت از این پروژه است و ما واقعا از آن قدردانی می‌کنیم.

Today, friends, we are going inside the child's school.

امروز، دوستان، ما به درون مدرسه کودک می‌رویم.

And by the end, you will know exactly what to say.

و در پایان، شما دقیقا خواهید دانست که چه بگویید.

You will learn how to handle a parent-teacher meeting with absolute control.

شما یاد خواهید گرفت که چگونه یک جلسه والدین و معلم را با کنترل کامل مدیریت کنید.

You will learn the correct vocabulary to report an absence without stress.

شما واژگان صحیح را برای گزارش غیبت بدون استرس یاد خواهید گرفت.

And you will learn the one rescue sentence that gives you immediate breathing room.

و شما یک جمله نجات‌دهنده خواهید آموخت که به شما فضای تنفسی فوری می‌دهد.



Let us begin with our first real-life situation... the parent-teacher meeting.

بیایید با اولین موقعیت واقعی خود شروع کنیم... جلسه والدین و معلم.

You are sitting across from the teacher, and they are discussing your child's progress.

شما در مقابل معلم نشسته‌اید و آنها در حال بحث درباره پیشرفت کودک شما هستند.

The room is small, and the teacher is using professional terms very quickly.

اتاق کوچک است و معلم به سرعت از اصطلاحات حرفه‌ای استفاده می‌کند.

They mention academic evaluations, learning milestones, and behavioral metrics.

آنها به ارزیابی‌های تحصیلی، نقاط عطف یادگیری و معیارهای رفتاری اشاره می‌کنند.

Your natural reflex is to nod along to avoid looking confused.

واکنش طبیعی شما این است که سر خود را تکان دهید تا از گیج به نظر رسیدن جلوگیری کنید.

But this meeting is too important for your child's future to hide behind a polite smile.

اما این جلسه برای آینده کودک شما خیلی مهم است که پشت یک لبخند مودبانه پنهان شوید.

You cannot build a bridge for your family if you accept a conversation you do not understand.

شما نمی‌توانید پلی برای خانواده‌تان بسازید اگر گفتگویی را بپذیرید که نمی‌فهمید.

Instead of nodding when you feel lost, use this specific sentence.

به جای سر تکان دادن وقتی که احساس گمراهی می‌کنید، از این جمله خاص استفاده کنید.

Could we focus on one area of improvement first, please?

آیا می‌توانیم ابتدا بر یک حوزه بهبود تمرکز کنیم، لطفاً؟

Notice the psychological power of this phrase.

قدرت روانشناختی این عبارت را در نظر بگیرید.

You do not say "I do not understand your English."

شما نمی‌گویید "من انگلیسی شما را نمی‌فهمم."

You actively redirect the pace of the conversation.

شما به طور فعال سرعت گفتگو را تغییر می‌دهید.

You break a complex explanation into smaller... manageable pieces.

شما یک توضیح پیچیده را به قطعات کوچک‌تر و قابل مدیریت تقسیم می‌کنید.

When you ask the teacher to focus on just one area, you set the boundary.

وقتی از معلم می‌خواهید که فقط بر یک حوزه تمرکز کند، مرز را تعیین می‌کنید.

They will stop the long speech and give you a simple, direct answer.

آنها سخنرانی طولانی را متوقف می‌کنند و به شما یک پاسخ ساده و مستقیم می‌دهند.

You take control of the meeting as an equal partner in your child's education.

شما کنترل جلسه را به عنوان یک شریک برابر در آموزش کودک خود به دست می‌گیرید.



Now, let us move to our second situation... dealing with notifications and school absences.

.....
حالا، بیایید به موقعیت دوم خود برویم... برخورد با اطلاعیه‌ها و غیبت‌های مدرسه.

Your child woke up with a fever, and you need to call the school office before classes begin.

.....
کودک شما با تب بیدار شده است و شما باید قبل از شروع کلاس‌ها با دفتر مدرسه تماس بگیرید.

You hear the phone ringing, and a very busy administrative voice answers the call.

.....
شما صدای زنگ تلفن را می‌شنوید و یک صدای اداری بسیار مشغول به تماس پاسخ می‌دهد.

They speak rapidly because they have a queue of parents to handle during their busy daily routines abroad.

.....
آنها به سرعت صحبت می‌کنند زیرا صفی از والدین دارند که باید در طول روال‌های روزانه شلوغ خود مدیریت کنند.

You feel the urge to explain the whole medical story and the entire background.

.....
شما احساس می‌کنید که باید تمام داستان پزشکی و پس‌زمینه کامل را توضیح دهید.

You worry that a simple mistake in your English will sound irresponsible.

.....
شما نگران هستید که یک اشتباه ساده در انگلیسی شما بی‌مسئولیتی به نظر برسد.

But out there, clarity and speed matter much more than a long emotional description.

.....
اما در آنجا، وضوح و سرعت بسیار بیشتر از یک توصیف احساسی طولانی اهمیت دارد.

Do not overcomplicate the explanation with complex medical details or long stories.

.....
توضیح را با جزئیات پزشکی پیچیده یا داستان‌های طولانی بیش از حد پیچیده نکنید.

Keep it functional, clear, and perfectly structured for a busy front desk.

.....
آن را کاربردی، واضح و به طور کامل ساختار یافته برای یک میز پذیرش شلوغ نگه دارید.

My child is unwell today... and will be absent from school.

.....
کودک من امروز حالش خوب نیست... و از مدرسه غیبت خواهد کرد.

This sentence is short, clean, and complete.

.....
این جمله کوتاه، تمیز و کامل است.

School administrations value speed and direct communication for their daily routines.

.....
مدیریت‌های مدرسه سرعت و ارتباط مستقیم را برای روال‌های روزانه خود ارزشمند می‌دانند.

You state the facts, and you do not leave room for confusing questions.

.....
شما حقایق را بیان می‌کنید و جایی برای سوالات گیج‌کننده باقی نمی‌گذارید.

If they need more details, they will ask you for them directly.

.....
اگر به جزئیات بیشتری نیاز داشته باشند، مستقیماً از شما می‌پرسند.

By using this precise structure, you avoid stumbling over difficult medical vocabulary.

.....
با استفاده از این ساختار دقیق، از گیر کردن در واژگان پزشکی دشوار جلوگیری می‌کنید.

You deliver the exact message required, and you hang up the phone with total peace of mind.

.....
شما پیام دقیقی که لازم است را منتقل می‌کنید و با آرامش کامل تلفن را قطع می‌کنید.



Let us look at our third situation... the playground interaction during after-school pick-up.

بیایید به سومین وضعیت خود نگاه کنیم... تعامل در زمین بازی هنگام تحویل بچه‌ها بعد از مدرسه.

The weather is cold, the bell rings, and hundreds of children are running out of the building.

هوا سرد است، زنگ به صدا درمی‌آید و صدها کودک از ساختمان بیرون می‌دوند.

The schedule changes unexpectedly, or an after-school sports club is cancelled at the last minute.

برنامه به طور غیرمنتظره‌ای تغییر می‌کند یا یک باشگاه ورزشی بعد از مدرسه در آخرین لحظه لغو می‌شود.

Parents are crowded around the gates, and the staff members are managing the chaos.

والدین دور دروازه‌ها جمع شده‌اند و اعضای کادر در حال مدیریت هرج و مرج هستند.

You see a supervisor, and you need to confirm information before you leave the premises.

شما یک ناظر را می‌بینید و باید قبل از ترک محل، اطلاعات را تأیید کنید.

Your child is looking at you, waiting to know what the family routine is going to be today.

فرزند شما به شما نگاه می‌کند و منتظر است تا بداند روال خانواده امروز چه خواهد بود.

You cannot afford to stand there waiting or guessing what the new plan is.

شما نمی‌توانید آنجا بایستید و منتظر بمانید یا حدس بزنید که برنامه جدید چیست.

I want to confirm the pick-up time for the extra activities today.

می‌خواهم زمان تحویل برای فعالیت‌های اضافی امروز را تأیید کنم.

This phrase forces a specific... concrete response from the listener.

این عبارت پاسخ خاص و مشخصی را از شنونده می‌طلبد.

It establishes you as an involved... organized parent who manages daily routines with precision.

این شما را به عنوان یک والد درگیر و سازمان‌یافته معرفی می‌کند که روال‌های روزانه را با دقت مدیریت می‌کند.

It leaves no room for vague answers because you are asking for a precise time.

این هیچ جایی برای پاسخ‌های مبهم باقی نمی‌گذارد زیرا شما از زمان دقیقی می‌پرسید.

The staff member will give you the exact hour, and you can plan your day without any hidden surprises.

عضو کادر ساعت دقیق را به شما می‌دهد و می‌توانید روز خود را بدون هیچ سورپرایز پنهانی برنامه‌ریزی کنید.

Now — the rescue sentence.

حالا — جمله نجات‌دهنده.

This is the single phrase that works when everything else disappears from your mind.

این تنها عبارتی است که وقتی همه چیز از ذهنتان محو می‌شود، کار می‌کند.

Could we schedule a call?

آیا می‌توانیم یک تماس برنامه‌ریزی کنیم؟

I want to understand everything.

می‌خواهم همه چیز را درک کنم.



Let me tell you about Elena.

بگذارید درباره النا به شما بگویم.

She moved to Toronto a few years ago with her young son.

او چند سال پیش به همراه پسر جوانش به تورنتو نقل مکان کرد.

During her very first school meeting... the teacher spoke so fast that Elena simply froze.

در اولین جلسه مدرسه‌اش... معلم آنقدر سریع صحبت کرد که النا به سادگی یخ زد.

She left the school feeling small... like a stranger in her own child's life.

او با احساس کوچک بودن از مدرسه خارج شد... مانند یک غریبه در زندگی فرزند خود.

She felt like she was failing as a parent because of her intermediate English level.

او احساس می‌کرد که به عنوان یک والد در حال شکست است به خاطر سطح متوسط زبان انگلیسی‌اش.

But the next week, a new circular arrived from the school administration.

اما هفته بعد، یک بخشنامه جدید از مدیریت مدرسه رسید.

Elena walked back into the office, took a deep breath, and used this exact rescue sentence.

النا دوباره به دفتر برگشت، نفس عمیقی کشید و از این جمله نجات‌دهنده دقیق استفاده کرد.

The teacher immediately changed their tone, scheduled a quiet phone call, and sent the notes by email.

معلم بلافاصله لحن خود را تغییر داد، یک تماس تلفنی آرام برنامه‌ریزی کرد و یادداشت‌ها را از طریق ایمیل ارسال کرد.

That single sentence transformed Elena from a passive listener into an active manager of her child's academic life.

آن جمله واحد النا را از یک شنونده منفعل به یک مدیر فعال زندگی تحصیلی فرزندش تبدیل کرد.

You are not a spectator in your child's education.

شما یک تماشاگر در آموزش فرزندتان نیستید.

You are a protective, capable parent who is taking up space in a new country.

شما یک والد محافظ و توانمند هستید که در یک کشور جدید جا گرفته‌اید.

Your English is a tool, and you are learning to use it with authority every single day.

زبان انگلیسی شما یک ابزار است و شما هر روز در حال یادگیری استفاده از آن با اقتدار هستید.

If you made it this far, you are truly committed to your English.

اگر تا اینجا آمده‌اید، واقعا به زبان انگلیسی خود متعهد هستید.

Please head over to YouTube, search for "Your English Toolbox", and subscribe.

لطفاً به یوتیوب بروید، "Your English Toolbox" را جستجو کنید و مشترک شوید.

Your support there means the world to us and keeps this podcast growing.

حمایت شما در آنجا برای ما بسیار ارزشمند است و به رشد این پادکست کمک می‌کند.

Take a breath.

نفس بکشید.



You can do this.

.....

شما می‌توانید این کار را انجام دهید.

See you next time.

.....

تا دفعه بعد می‌بینمتان.

